

نهادگرایی تطبیقی:

نوع‌شناسی ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست

زینب فاطمی امین^۱، علی یوسفی^۲، حسین اکبری^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۲۶، تاریخ تأیید: ۹۸/۱/۲۶

چکیده

برای مدیریت کلان پدیده خروج نخبگان، توجه به نقش ویژه نهادهای اثرگذار در یک چارچوب نهادی، نوید رویکردی نو برای تحلیل‌هایی پویا از پدیده‌های اجتماعی را می‌دهد. ساختار نهادی هر کشور، به‌طور مؤثر کیفیت‌های نهادی (کارآیی و مشروعیت) و ترتیبات نهادی (تمرکززدا- تمرکزگرا) آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ترتیبات نهادی حاکم است که تعیین می‌کند چرا در برخی جوامع، خروج نخبگان تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است؟

ارزیابی‌های تطبیقی معطوف به تأثیر کیفیت نهادی و نوع ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست بر خروج نخبگان در این نوشتار با تکیه بر تحلیل ثانویه داده‌های بین‌المللی انجام گرفته است. مقایسه میانگین کیفیت‌های نهادی کشورهای مورد مطالعه نشان از کیفیت‌های نهادی سیاسی، اقتصادی و حقوقی بالاتر برای کشورهای اروپایی است و بالعکس، برای کشورهای آسیایی همچون ایران، میانگین پایینی از کیفیت‌های نهادی را شاهدیم. تمرکزگرایی نهادی در کشورهای نخبه‌فرست از یک‌طرف، مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی غیرتوسعه‌گرا را شکل داده و از طرف دیگر با اعمال محدودیت‌های نهادی باعث افزایش خروج نخبگان از این کشورها و عدم بازگشت مجدد آنان به کشورهايشان شده است. انتقال نهادی نخبگان ایرانی به کشورهای پیشرفته، معطوف به ترتیبات نهادی تمرکزگرا در کشور است که حسب داده‌های موجود، بیانگر اجرای ضعیف حاکمیت قانون، امنیت شغلی پایین و آزادی‌های اقتصادی و سیاسی محدود می‌باشد.

واژگان کلیدی: نهادگرایی تطبیقی، کیفیت نهادی، ترتیبات نهادی، خروج نخبگان

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ (نویسنده مسئول)

z.fatemiain@mail.um.ac.ir

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد؛ yousofi@um.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد؛ h-akbari@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

خروج نخبگان معطوف به انتقال بین‌المللی آن بخشی از سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته است که دارای تحصیلات عالی هستند (بینه و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۳۱). گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (همچون یونسکو، سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)، حاکی از بالاترین نرخ خروج نخبگان در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، اما گستردگی جهانی این پدیده کمتر مورد توجه تحقیقات تجربی در سطح ملی و بین‌المللی بوده است. در بسیاری از این کشورها، نخبگان برای ادامه تحصیل و کار ترجیح می‌دهند به کشورهای پیشرفته مهاجرت کنند و کشورهای پیشرفته، فرصت‌های پیشرفت را برای آنان فراهم می‌کنند.

در این کشورها خروج نخبگان تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری و تنش‌های به وجود آمده بین نهادهای مهم با عاملانی است که در این ساخت زندگی می‌کنند (نورث، ۱۹۹۴؛ بیک‌ویل، ۱۹۹۶). نخبگان به محض اینکه از شرایط نهادی احساس ناکارآمدی و ناامنی کنند، به فکر خروج از کشورهایشان خواهند افتاد. هرگونه نظم، ثبات و امنیت مستلزم ساختار متناسب نهادی است (آذرمنند، ۱۳۸۵؛ عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸؛ نورتون، ۲۰۰۳؛ کلارک و پیرسون، ۲۰۰۷؛ کبولا، ۲۰۱۰؛ بنگ و میترا، ۲۰۱۰). از آنجایی که فرصت‌ها و کامیابی‌های نخبگان به کیفیت نهادهای هر کشور و چگونگی تأثیرگذاری نوع ترتیبات نهادی حاکم بستگی دارد، میزان قابل توجه خروج نخبگان، نمی‌تواند توسط سیاست‌گذاران کشورهای نخبه‌فرست نادیده گرفته شود. شفافیت تضمین حقوق مالکیت، وجود قواعد رسمی و غیررسمی برای کنترل فساد، قانون‌گرایی، محیط نهادی امن و باثبات، برخورداری از دولت‌های کارآمد، همگی ترتیبات نهادی هستند که در راستای تمرکززدایی و شایسته‌سالاری لازم است (کونیرز، ۱۹۸۶؛ پاتنام، ۱۹۹۳؛ ایوانز، ۱۹۹۶؛ اسکاچپول، ۱۹۹۷؛ وارنر، ۲۰۰۱).

طبق آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، در میان کشورهای در حال توسعه، به ترتیب بعد از کشورهای هند، فیلیپین، چین، روسیه، مکزیک و ویتنام، ایران رتبه هفتم بیشترین میزان خروج نخبگان را داراست (ارسلان و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۶). انتقال نهادی نخبگان ایرانی به کشورهای پیشرفته، معطوف به ترتیبات نهادی تمرکزگرا در کشور است که با کیفیت‌های پایین نهادی مشخص می‌شود. در داخل کشور این نوع از ترتیبات نهادی که با اجرای ضعیف حاکمیت قانون، عدم توفیق برنامه‌های تدوین شده، ضعف مدیریت،

عدم شفافیت و دیگر عوامل نهادی مشخص می‌شود، نمی‌تواند بهترین کیفیت را از نهادها تضمین نماید. این در حالی است که طبق سند راهبردی کشور در امور نخبگان (۱۳۹۱)، تحقق اهداف و چشم‌اندازهای توسعه‌ای در کشور نیازمند وجود ساختارها، فرایندها و نهادهایی است تا در آن صاحبان فکر و اندیشه بتوانند شکل‌دهنده، جهت‌دهنده و سازنده جامعه پیشرفته باشند. نخبگان نقش مهمی در افزایش بازدهی نهادها برای تحول نهادی دارند. چراکه مهم‌ترین ویژگی آنها ژرف‌نگری، خلق، گشودن باب‌های جدید و رفتن به راه‌های نو است. نوشتار حاضر تلاش می‌کند تا بر مبنای مجموعه داده‌های جهانی معتبر، ارزیابی‌های کمی از نقش کیفیت‌های نهادی و نوع ترتیبات نهادی بر خروج نخبگان از کشورهای نخبه‌فرست ارائه دهد. در این راستا، دو سؤال محوری مطرح می‌باشد: اول اینکه، آیا کیفیت‌های نهادی کشورهای نخبه‌فرست بر خروج نخبگان مؤثر است؟ و دیگر اینکه، چه نوع ترتیبات نهادی بر خروج نخبگان از این کشورها تأثیرگذار است؟

چارچوب نظری

وجود نگاه‌ها و تحلیل‌های مقطعی و خرد به پدیده‌های اجتماعی، لزوم توجه به نگاهی جدید در تحلیل‌های اجتماعی را پیش روی محققان قرار داده و باعث تقویت رویکردهای ساختاری کلان‌نگر به تحلیل شده است (نصیری‌اقدم، ۱۳۹۱). ساختارهای کلان از طریق فراهم کردن چارچوب‌های مشترک معنا، یاری‌گر کنش هستند و به واسطه کنش‌های کنشگران تثبیت و بازتولید می‌شوند. «نهادگرایی»^۱ از جمله رویکردهای کلان‌نگر محسوب می‌گردد.^۲ بر مبنای سیر تاریخی ظهور و گسترش این رویکرد نظری؛ اگر نهادگرایی اولیه ناظر بر سازمان‌های رسمی و قواعد عقلانی حاکم بر آنها بوده، دیدگاه نهادگرایی میانه با تأکید بر محیط‌های نهادی، نقش و تأثیر محیط و هنجارهای محیط‌ها را بر فرایند نهادی بالاتر دید می‌داند. نهادگرایی متأخر نه تنها لازمه موجودیت و پایداری نهادها را در تبادل با محیط آن می‌داند، بلکه محیط‌های نهادی را در ایجاد نظام معنایی برای اعضای نهاد مشخص نیز دخیل می‌پندارد.

1. Institutionalism

۲. از مفروضات هستی‌شناسی و روش‌شناسی رویکرد نهادگرایی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. واقعیت چندلایه، در حال تطور و کمتر قابل پیش‌بینی است. ۲. هر معلولی، علتی دارد که از نظر معرفت‌شناختی وظیفه علوم شناسایی این علل است. ۳. از نظر روش‌شناختی، تبیین‌ها باید معطوف به لایه‌های مختلف واقعیت اجتماعی باشد (نصیری‌اقدم، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

نونهادگرایی با تکیه بر ریشه‌های سنتی و نقاط مورد توجه نهادگرایی کلاسیک، بر آن است تا بن‌مایه نظری خود را غنای بیشتری دهد و در عین حال دامنه وسیع‌تری به مصادیق و سطح تحلیل کلان دهد. این رویکرد نظری در زمینه تبیین، جنبه‌های قدرتمندی دارد و تحلیل‌های خود را این‌گونه پیش می‌برد که برای شناخت رفتار انسانی باید به بستر نهادی توجه کرد و به شناخت نهادها پرداخت (متوسلی، ۱۳۸۹).

در این دیدگاه، ورود نهاد به تحلیل ضرورتاً منجر به جمع‌گرایی روش‌شناختی نمی‌شود که به‌موجب آن رفتار فردی کاملاً بر اساس بستر نهادی تبیین می‌گردد. زیرا نهادگرایان به‌خوبی می‌دانند که «تبیین کامل جزءها برحسب کل‌ها با مشکلاتی به همان اندازه بزرگ روبروست که در فرایند عکس آن دیده می‌شود. همان‌طور که ساختارها را نمی‌توان برحسب افراد به طرز مناسبی تبیین کرد، برحسب ساختارها نیز نمی‌توان افراد را به نحو مناسبی تبیین کرد (هاجسون، ۱۹۹۸؛ به نقل از متوسلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

در سال‌های اخیر، نهادها در کانون توجه هر نظریه‌پردازی و تبیین در علوم اجتماعی قرار دارند و رویکرد نونهادگرایی علاوه بر علم اقتصاد در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی مانند علوم سیاسی^۱، جامعه‌شناسی^۲ و مدیریت^۳ مورد توجه قرار گرفته (هاجسون، ۲۰۰۶: ۱) و هر یک

۱. در علوم سیاسی، در دوره نهادگرایی قدیم می‌توان از صاحب‌نظران بنامی چون؛ ویلسن (۱۸۸۹)، «برگس» (۱۹۰۲)، «ویلوگیای» (۱۹۰۴) و «بیل و هاردگریو» (۱۹۸۱) نام برد. نظریه‌های نهادی در این دوره معطوف به نهادهای سازمان‌یافته و تبیین تفضیلی نظام‌های خاص سیاسی بود و از آنجایی که رویکردی محافظه‌کارانه داشت، بر «دوام و عدم تغییر» تأکید داشت. نونهادگرایی در حوزه علوم سیاسی، به مارش و اولسن (۱۹۸۴) نسبت داده می‌شود که در مقاله خود خواستار توجه به ویژگی نهادی سیاست شدند. در نظر آنها هم زمینه‌گرایی که سیاست را بازتابی از جامعه می‌بیند و هم تقلیل‌گرایی که سیاست را به عمل افراد تقلیل می‌دهد، مردود است.

۲. در جامعه‌شناسی، می‌توان به «امیل دورکیم»، «ماکس وبر» و «کارل مارکس» به عنوان نهادگرایان برجسته اولیه اشاره کرد که بیشتر بر ساختارهای رسمی و وسیع نهادی تأکید داشتند. به‌زعم آنان، نهادها به عنوان واقعیت خارجی بر افراد اولویت دارند. در این میان نونهادگرایی در جامعه‌شناسی، توسط تالکوت پارسونز (۱۹۳۴) ارائه گردید که به دنبال توضیح نهادهاست نه تسهیل فرض وجودشان. پارسونز در مقاله خود ادعا نمود که نظریه نهادها باید در کنش اجتماعی افراد وارد شود (نی، ۱۹۹۸).

۳. در علم مدیریت، با نفوذ دیدگاه سیستم‌های باز (در کنار سیستم‌های بسته) در مطالعه سازمان‌ها، نظریه نهادی قوت گرفت. این سیستم‌ها معطوف به محیط نهادی (برخلاف سیستم‌های بسته که به محیط فنی معطوف بود) است و نیروهای اجتماعی و فرهنگی در تحلیل‌های نهادی و سازمانی به کار گرفته می‌شوند. «فیلیپ سلزینیک» (۱۹۴۹)، با مطالعات دقیق و جامع پیرامون بوروکراسی و سازمان دره تنسی، بنیان‌گذار رسمی نظریه نهادی در حوزه مدیریت سازمانی است. در نظر وی، سازمان‌ها قبل از کارایی به مشروعیت نیازمندند که از پذیرش محیطی ایجاد می‌شود. بدین‌سان در سطح درون‌سازمانی، تصمیمات مدیریتی نیازمند مشروعیت از طریق زیردستان است و تنها زمانی به‌خوبی اجرا می‌شود که افراد آنها را بپذیرند (ایروانی، ۱۳۸۰؛ طهماسبی، ۱۳۹۴).

متناسب با نگاه پارادایمی خود به نهادگرایی روی آورده‌اند. اتخاذ رویکرد بین‌رشته‌ای از یک‌سو، در جهت درک اهمیت و نقش نهادهای مختلف در سطح جامعه، طیف وسیعی از نظریه‌ها و عقاید را مطرح نموده و از سوی دیگر، توجه به بحث نهادها، زبان و موضوع مشترکی را میان رشته‌های گوناگون برای تبادل نظر و تحلیل پدیده‌ها ایجاد کرده است.

ورود نونهادگرایی به جامعه‌شناسی چند ویژگی قابل توجه دارد؛ اول اینکه، نهادها در معنایی گسترده‌تر مدنظر می‌باشند و تعریف از نهادها علاوه بر قوانین رسمی، رویه‌ها و هنجارها شامل نظام‌های نمادین، الگوهای شناختی و اخلاقی نیز هست که چارچوب‌های معنایی را برای کنش فردی فراهم می‌کنند. در واقع جامعه‌شناسان نونهادگرا، با در نظر گرفتن نهادها در بستر نهادی، نقش نهادها را در فراهم کردن الگوهای کنش برجسته می‌سازند و بیشتر بر ویژگی‌های اجتماعی و شناختی نهادها تأکید می‌کنند تا ویژگی‌های ساختاری، تحمیلی و محدودکننده نهادها (دیماجیو و پاول، ۱۹۹۱؛ هال و تیلور، ۱۹۹۶؛ فین مور، ۱۹۹۶؛ بلند و کاکس، ۲۰۱۱؛ پاول و بروملی، ۲۰۱۳). دوم اینکه، نونهادگرایی جامعه‌شناسی بر روابط همکاری و سازنده نهادها و کنش‌های افراد تأکید دارد (هال و تیلور، ۱۹۹۶؛ مکی و دیگران، ۲۰۱۰). رابطه بین نهاد و کنش فردی بر پایه نوعی «استدلال عملی»^۱ شکل می‌گیرد که به موجب آن کنشگر با الگوهای نهادی موجود اقدام به کنش می‌کند (هال و تیلور، ۱۹۹۶: ۱۶). سوم اینکه، نونهادگرایان جامعه‌شناسی قائل به تغییر اجتماعی هستند و نگرش پویایی به مقوله تغییر نهادی دارند (هال و تیلور، ۱۹۹۶؛ فین مور، ۱۹۹۶). در نظر تورفینگ (۲۰۰۱)، به واسطه تعاملات متقابل میان نهادها و افراد، نهادها خود مسیرهایی که افراد برای ارزیابی و اصلاح نهادها نیاز دارند را فراهم می‌کنند. در این معنا رویکرد جامعه‌شناسی از نونهادگرایی، دارای رهیافت درونی نسبت به تغییرات نهادی است (تغییرات نهادی به واسطه فرایندهای درونی صورت می‌گیرد و نه فرایندهای قدرت و بیرونی). و چهارم اینکه، نونهادگرایی جامعه‌شناسی در بحث ساختارهای اجتماعی چیزی بیشتر از یک استدلال ساده در بیان اهمیت آن مطرح می‌کند. به طوری که نه تنها ماهیت واقعی ساختار اجتماعی را تعیین می‌کند بلکه به ما می‌گوید ساختار اجتماعی چیست؟ همین ویژگی نونهادگرایی جامعه‌شناسی موجب گشته چارچوب‌های نظری غنی‌تری را درباره محتوا و ماهیت ساختارهای اجتماعی ارائه دهند (اسکات و میر، ۱۹۹۴؛ فین مور، ۱۹۹۶).

با توجه به اینکه رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی، گرایش ساختاری و چشم‌انداز تحلیلی وسیع‌تری دارد (های و وینکت، ۱۹۹۸: ۹۵۲)، درصد تبیین مسئله‌ای با تلفیقی از زمینه نهادی و ساختاری با نشان دادن علل و فرایندهای وابسته به هم می‌باشد. وارد کردن نهادها به تحلیل‌های اجتماعی، برای شناخت نحوه اثرگذاری نهادها بر موضوعات و مسائل اجتماعی بسیار راهگشاست، چراکه این اثرگذاری از طریق فرایندهای متفاوتی صورت می‌گیرد و این باور وجود دارد که در هر جامعه‌ای این ترتیبات نهادی است که انتخاب‌های عقلانی را ممکن می‌سازد و انتخاب‌های کنشگران در قالب عقلانیت زمینه‌مند و کنش‌های سایر کنشگران صورت می‌گیرد. به زعم ویلیامسون (۲۰۰۹) و میلی (۲۰۱۲)، ترتیبات نهادی در سطح رابطه میان کنشگران نهادی، بستر نهادی و نهادهای اثرگذار تعریف می‌شود و معطوف به هماهنگی نهادها در جامعه می‌باشد. بدین ترتیب، در سطح نظری دو موضوع قابل پیگیری است؛ یکی، چگونگی دسترسی به نقش کیفیت نهادی در موضوعات حساس و پیچیده‌ای چون خروج نخبگان و دیگری، شناسایی نوع ترتیبات نهادی تأثیرگذار بر خروج نخبگان.

روش پژوهش

خروج نخبگان از جمله موضوعاتی است که به دلیل ویژگی نهادی‌اش، در سطح تحلیلی کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور بررسی چگونگی اثرگذاری نوع ترتیبات نهادی بر خروج نخبگان، می‌توان «نهادگرایی تطبیقی»^۱ را به عنوان رویکرد روشی اتخاذ نمود. مقایسه‌های کلان معمولاً مبتنی بر آزمون نظام‌مندی از تفاوت‌ها و شباهت‌های درون نهادهاست و از آنجایی که جامعه‌شناسان مدعی ماهیت اجتماعی کنشگران درون بسترهای نهادی هستند، بر نقش بنیادی کنشگران در تحلیل‌های تطبیقی تأکید دارند (جکسون، ۲۰۰۹: ۶). نهادگرایی تطبیقی، با بررسی ویژگی‌های ساختاری نهادها، بر وزن خاص هر نهاد در جامعه تأکید دارد که بر روند تحولات و توسعه آن جامعه اثر می‌گذارد (نورث، ۲۰۰۵). در این روش تحقیقاتی، سه نکته مورد توجه می‌باشد:

۱. تفاوت‌ها و شباهت‌های نهادها در ماهیت و خروجی‌شان،
۲. چگونگی کنش کنشگران درون بسترهای نهادی متفاوت و
۳. چگونگی رابطه فرایندهای نهادی با رفتار کنشگران درون آن نهادها و بسترهای نهادی (جکسون، ۲۰۰۹).

در این پژوهش ارزیابی‌های نهادی تطبیقی معطوف به تأثیر کیفیت نهادی و نوع ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست بر خروج نخبگان از کشورهاشان می‌باشد. لذا با به‌کارگیری تکنیک «تحلیل داده‌های موجود»، از مجموعه داده‌های کمی موجود در حوزه مورد مطالعه استفاده شده است. «داده‌های ثانویه بین‌المللی»^۱ از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر جهانی جمع‌آوری شده‌اند. سطح تحلیل در پژوهش حاضر، «جهانی» و واحد تحلیل «کشور» می‌باشد. واحد مشاهده نیز «کشور» و به‌طور مشخص «سال ۲۰۱۰» است.^۲

جمعیت و نمونه تحقیق

با توجه به اینکه این نوع از روش پژوهشی مبتنی بر فهم و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های بین واحدهای بزرگ مقیاس می‌باشد، جمعیت تحقیق ما را ۱۰۰ کشور نخبه‌فرست تشکیل می‌دهند که واجد داده برای انجام مقایسه در مقطع زمانی سال ۲۰۱۰ هستند. به دلیل محدودیت دسترسی به داده‌های مناسب برای همه متغیرهای تحقیق در تحلیل‌های تطبیقی، حجم نمونه از طریق وجود داده‌های قابل‌دستیابی از متغیرهای مورد مطالعه، محدود و تعیین می‌شود. با این حال، تلاش گردیده برای اجتناب از تورش نمونه‌ای، افزایش قابلیت آزمون‌پذیری و تعمیم‌پذیری، تعداد کشورهای بیشتری را مورد بررسی قرار دهیم. شایان‌ذکر است که آمارهای ارائه شده از کشورهای نخبه‌فرست در این مقاله، مربوط به ۷۰ کشور در حال توسعه^۳ و ۳۰ کشور کمتر توسعه‌یافته^۴ می‌باشد.

تعریف عملیاتی متغیرها و منابع جمع‌آوری داده‌ها

– خروج نخبگان

اگرچه به دلیل تفاوت نظام و مدارک آموزشی کشورها، هنوز توافقی کامل بر تعریف افراد نخبه وجود ندارد، با این حال، در سال‌های اخیر تحت نظارت نهادهای بین‌المللی همچون یونسکو و اتحادیه اروپا، کشورهای مختلف روند یکسان‌سازی و استانداردسازی مدارک تحصیلی را آغاز کرده‌اند و به‌طور کلی نخبه به افرادی اطلاق می‌گردد که مرحله اول یا مرحله دوم تحصیلات عالی

1. International Secondary Data

۲. دلیل انتخاب سال ۲۰۱۰ این است که با محدودیت‌های عملی در دستیابی به داده‌های خروج نخبگان مواجه بودیم. از آنجایی که هنوز داده‌های خروج نخبگان با احتساب فاصله‌های پنج‌ساله برای سال ۲۰۱۵ منتشر نشده است، لذا کلیه تحلیل‌ها در این مقاله، معطوف به سال ۲۰۱۰ می‌باشد.

3. Developing Country

4. Least Developed Country

را دارند. طبق استانداردهای بین‌المللی آموزش یونسکو^۱، مرحله اول در تحصیلات عالی محتوای آموزشی پیشرفته‌تری را نسبت به تحصیلات متوسطه داراست و مرحله دوم تحصیلات عالی فقط بر مبنای واحدهای درسی نیست و معطوف به برنامه‌های تحقیقاتی بنیادی و مطالعات پیشرفته تحقیقاتی است. لذا آن دسته از افراد را که از سطح پیشرفته آموزشی برخوردارند، نخبه و از مهاجرت آنان با عنوان مهاجرت نخبگان سخن گفته می‌شود (بینه، ۲۰۰۸؛ بنگ و میترا، ۲۰۱۰؛ داکویر، ۲۰۱۰؛ بارو و لی، ۲۰۱۳؛ ارسلان و همکاران، ۲۰۱۴).

منبع داده‌های خروج نخبگان، «مؤسسه تحقیقات اشتغال»^۲ است که مورد تأیید و ارجاع محققان این حوزه -از جمله داکویر^۳، بینه^۴ و مارفوک^۵- می‌باشد. این داده‌ها، مهاجرت‌های بین‌المللی از ۱۹۵ کشور جهان به ۲۰ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۶ (OECD) در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۸۰، ثبت کرده است. از آنجایی که کشورهای فرستنده تصویر واقعی از مهاجرت ارائه نمی‌دهند و به داده‌های خروج نخبگان آنها دسترسی وجود ندارد، اطلاعات مهاجرین در این بانک اطلاعاتی از طریق مراجعه به سرشماری‌های ملی و آمارهای ثبت جمعیت کشورهای پذیرنده فراهم شده است.^۷ در این شیوه تعداد مهاجرین غیرقانونی لحاظ نمی‌شود و لذا در دسترس نیست. البته این اتفاق نظر وجود دارد که اکثریت مهاجران ثبت نشده از سطح آموزشی پایینی برخوردار هستند و این محدودیت، برآوردها از نرخ مهاجرین با سطح آموزشی بالا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (داکویر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۳۰۲).

لازم به توضیح است که تعداد مهاجرین برای گروه‌های سنی ۲۵ سال و بالاتر ثبت شده است. دلیل انتخاب این گروه سنی (۲۵ سال به بالا) به این خاطر است که شامل آن دسته از

1. UNESCO International Standard Classification of Education

2. Institution for Employment Research (IAB)

3. Docquier, Frederic

4. Beine, Michel

5. Marfouk, Abdeslam

6. Australia, Austria, Canada, Chile, Denmark, Finland, France, Germany, Greece, Ireland, Luxembourg, Netherlands, New Zealand, Norway, Portugal, Spain, Sweden, Switzerland, United Kingdom, and United States

۷. در این پایگاه اطلاعاتی، مهاجرت بر مبنای کشور محل تولد تعریف می‌شود و نه شهروند خارجی. چراکه مفهوم کشور محل تولد در طی زمان ثابت و بدون تغییر است، درحالی‌که مفهوم شهروندی و مقررات مربوط به کسب شهروندی در میان کشورهای جهان مختلف و حتی در همان کشورها در زمان‌های مختلف متفاوت است. بحث دیگر آن است که در برخی کشورها بین مفهوم شهروند خارجی و متولدشدگان در خارج، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. از این‌روست که مفهوم شهروند خارجی به عنوان مهاجر، تعداد افرادی را که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند (در هر نقطه و هر زمانی) کم برآورد می‌کند (بروکر و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۲).

دانشجویانی که به‌طور موقت و صرفاً برای ادامه تحصیل به یکی از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آمده‌اند، نمی‌شود (بروکر و همکاران، ۲۰۱۳: ۴).

– کیفیت نهادی

کیفیت نهادی معمولاً با معیارهایی چون بازدهی، مشروعیت و پیش‌بینی‌پذیری سنجیده می‌شود. این متغیر مهم نهادی، چند ویژگی برجسته دارد؛ اول اینکه، کیفیت نهادی دسترسی منابع را برای تشکیل نهادهای خوب فراهم می‌کند. دوم اینکه، تقاضا برای نهادهای با کیفیت را افزایش می‌دهد (آلونسو و گارسیمارتین، ۲۰۱۰: ۴ و ۶). در پژوهش حاضر، کیفیت نهادی در سطح سه نهاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کیفیت نهادی حقوقی، بیانگر شفافیت و کارآمدی مقررات در هر کشور است و می‌تواند یکپارچگی نهاد حقوقی آن را ارزیابی نماید. خلاصه روشی شاخص‌های سنجش کیفیت نهادی حقوقی در این پژوهش در جدول (1) قابل ملاحظه است.

جدول ۱. خلاصه روش‌شناختی کیفیت نهادی حقوقی

نام شاخص	منبع داده	تعداد کشورهای مورد بررسی	توضیحات
حاکمیت قانون ^۱	بانک جهانی	۲۱۵	این شاخص میزان تعهد به قانون را می‌سنجد. اینکه تا چه حد شهروندان به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آنها پیروی می‌کنند (کافمن، ۲۰۱۰: ۳).
هزینه‌های کسب‌وکار از جرم ^۲	مؤسسه فریزر	۱۵۷	میزان تأثیرپذیری محیط کسب‌وکار از وقوع جرم و خشونت در یک کشور و چگونگی حمایت نهاد حقوقی از حقوق کسب‌وکار و مالکیت، با این شاخص جهانی سنجش می‌گردد (جی‌وارتنی، ۲۰۱۲).

کیفیت نهادی سیاسی، بازتابی از مشروعیت و عملکرد نهاد سیاسی در اجرای مؤثر برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده می‌باشد و به این کارکرد نهادی اشاره دارد که نهاد سیاسی، سطح بالاتری از امنیت و ثبات را در تعامل میان نخبگان و رهبران سیاسی برقرار می‌کند. توضیحات مربوط به شاخص‌های سنجش کیفیت نهادی سیاسی در جدول (2) آورده شده است.

1. Rule of Law
2. Business Costs of Crime

جدول ۲. خلاصه روش‌شناختی کیفیت نهادی سیاسی

نام شاخص	منبع داده	تعداد کشورهای مورد بررسی	توضیحات
شفافیت پاسخگویی ^۱	ویلیامز	۱۹۰	آنچه در سنجش شفافیت سیاسی کشورها دنبال می‌شود، پاسخگویی شفاف نهاد سیاسی است. داده‌های شفافیت پاسخگویی از ۲۹ منبع داده معتبر گردآوری شده‌اند و مشتق از ۱۶ مؤلفه می‌باشد که شش مؤلفه «رسانه آزاد» را سنجش می‌کند، چهار مؤلفه «شفافیت مالی» و شش مؤلفه دیگر مربوط به «محدودیت‌های سیاسی» می‌باشد (ویلیامز، ۲۰۱۵). این شاخص به لحاظ روشی شبیه به شاخص فساد شفافیت بین‌الملل و شاخص حکمرانی بانک جهانی است.
			رسانه آزاد: آزادی مطبوعات، حقوق انسانی (آزادی بیان و آزادی انجمنی)، پایداری رسانه، گزارشگران بدون مرز، رسانه جهانی و کنترل دولت بر رسانه
			شفافیت مالی: شفافیت بودجه‌های دولتی و غیردولتی، باز بودن بودجه، کیفیت مدیریت مالی و بودجه‌ای، شفافیت بانک‌های عمومی
محدودیت سیاسی: پاسخگویی و فساد در بخش دولتی، شفافیت بانک مرکزی، شفافیت دولت در برنامه‌ها، شفافیت عملکرد کارکنان بخش دولتی، شفافیت تغییر سیاست‌های دولت، نظارت و تنظیم دولت			
سنت‌های جامعه مدنی ^۲	برتلسمن	۱۲۷	این شاخص به حضور بلندمدت مدیریت مدنی در هر کشور، تعدد سازمان‌های غیرانتفاعی فعال، اعتماد به نهادهای جامعه، اعتماد اجتماعی و فرهنگ مدنی مشارکت در زندگی عمومی اشاره دارد (برتلسمن، ۲۰۱۰: ۳۵).
محدودیت ساختاری ^۳	برتلسمن	۱۲۷	برای ارزیابی عملکرد مدیریتی رهبران سیاسی در مواجهه با مشکلات ساختاری موجود در کشورها (مثل؛ فقر زیاد، فقدان نیروی کار آموزش‌دیده، موقعیت جغرافیایی نامساعد، کمبودهای زیرساختی و بلایای طبیعی) طراحی شده است. سطح مشکلات

1. Accountability Transparency
2. Civil Society Traditions
3. Structural constraints

نام شاخص	منبع داده	تعداد کشورهای مورد بررسی	توضیحات
			برآوردی از سه شاخص کمی (درآمد ناخالص ملی، شاخص آموزش سازمان ملل و میانگین نمره حاکمیت قانون) است که این محدودیت‌ها را منعکس می‌کنند (برتلسمن، ۲۰۱۰: ۳۵).
همکاری بین‌المللی ^۱	برتلسمن	۱۲۷	این شاخص بیانگر اعتبار نهاد سیاسی در اجتماعات بین‌المللی می‌باشد و اینکه تا چه حد در سطح روابط بین‌المللی قابل اعتماد هستند؟ (برتلسمن، ۲۰۱۰).
ثبات سیاسی ^۲	بانک جهانی	۲۱۵	ثبات سیاسی و نبود خشونت از جمله شاخص‌های «کیفیت حکمرانی» می‌باشد که داده‌های آن بر مبنای بیش از ۳۰ نظرسنجی انجام شده توسط مؤسسات غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی، گردآوری شده است (کافمن، ۲۰۱۰).

کیفیت نهادی اقتصادی معطوف به توسعه بخش خصوصی و آزادی افراد یک جامعه در خصوص کار، مالکیت و فرصت‌های اقتصادی در کنار حمایت‌های قانونی مناسب قلمداد می‌گردد. برای ارزیابی کیفیت نهادی اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، شاخص‌های بین‌المللی مشخص شده‌اند که در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. خلاصه روش‌شناختی کیفیت نهادی اقتصادی

نام شاخص	منبع داده	تعداد کشورهای مورد بررسی	توضیحات
آزادی کسب‌وکار ^۳	بنیاد هریتج	۱۸۶	آزادی کسب‌وکار، حق افراد در تأسیس و راه‌اندازی یک شرکت بدون دخالت دولت است. نظارت‌های مکرر و مداخله‌گرانه دولت، رایج‌ترین موانع بر سر راه فعالیت‌های آزادانه کارآفرینی است (میلر و کیم، ۲۰۱۰: ۴).
آزادی از فساد اقتصادی ^۴	بنیاد هریتج	۱۸۶	فساد همه بخش‌های اقتصاد را با روش‌های سیستماتیک آلوده می‌کند و ارتباط مستقیمی بین میزان دخالت‌های دولت در فعالیت‌های اقتصادی و شیوع فساد وجود دارد. به‌ویژه اینکه نظارت‌های مکرر و بیش‌ازحد دولت فرصت‌هایی

1. International Cooperation
2. Political Stability
3. Business Freedom
4. Freedom from Economical Corruption

نام شاخص	منبع داده	تعداد کشورهای مورد بررسی	توضیحات
			برای رشوه‌خواری و اختلاس به وجود می‌آورد. همچنین نظارت‌ها یا محدودیت‌های دولتی در یک بخش ممکن است باعث ایجاد بازارهای غیررسمی و تبادلات غیرقانونی در بخش دیگر شود (میلر و کیم، ۲۰۱۰: ۲).
آزادی سرمایه‌گذاری ^۱	بنیاد هریتج	۱۸۶	محیط سرمایه‌گذاری آزاد و باز بیشترین فرصت‌های کارآفرینانه را به وجود می‌آورد و انگیزه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی توسعه‌یافته، بهره‌وری بیشتر و ایجاد شغل است. چنین محیطی رقابت و نوآوری را تشویق می‌کند (میلر و کیم، ۲۰۱۰: ۸).
کیفیت مقررات ^۲	بانک جهانی	۲۱۵	کیفیت مقررات معطوف به توانایی کشورها در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که اجازه توسعه بخش خصوصی را می‌دهند و آن را تقویت و حمایت می‌کنند (کافمن، ۲۰۱۰).
حقوق مالکیت ^۳	برتلسمن	۱۲۷	وجود شرایطی که به اندازه کافی از یک بخش خصوصی کارا حمایت کنند و به شرکت‌های خصوصی به‌طور نهادی به عنوان موتورهای اولیه تولید اقتصادی نگریسته گردد و تحت حمایت‌های مناسب قانونی قرار گیرند (برتلسمن، ۲۰۱۰).

- ترتیبات نهادی:

ترتیبات نهادی متأثر از ویژگی‌های ساختاری نهادهاست و در بستر نهادی جامعه، نهادهای تعیین‌کننده را باهم هماهنگ می‌کند (هالینگورث، ۲۰۰۰). در تحلیل نهادی جامعه‌شناختی، ترتیبات نهادی در سطح رابطه نهادی بین کنشگران، زمینه نهادی و نهادهای تعیین‌کننده می‌تواند انواع مختلفی از اقدام‌های سیاسی و اجتماعی افراد جامعه را ایجاد یا مانع از ایجاد آن شود (استینمو، ۲۰۰۸؛ ویلیامسون، ۲۰۰۹؛ میلی، ۲۰۱۲). در پژوهش حاضر این شاخص مهم نهادی بر مبنای کیفیت نهادهای تعیین‌کننده کشورهای نخبه‌فرست در قالب چهار نوع؛ «ترتیبات نهادی تمرکزگرا^۴»، «ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکزگرا^۱»، «ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکززدا^۲» و «ترتیبات نهادی تمرکززدا^۳» مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

1. Investment Freedom
2. Regulatory Quality
3. Property Rights
4. Centralization of Institutional Arrangements

یافته‌های پژوهش

ابتدا، نیم‌رخ از میانگین خروج نخبگان گروه‌های کشورهای نخبه‌فرست (به تفکیک منطقه جغرافیایی) در جدول (۴)، گزارش می‌شود.

جدول (۴). میانگین خروج نخبگان در میان گروه‌های کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان	گروه کشورها	میانگین خروج نخبگان
کشورهای آسیایی	۲۴۱۸۸۶	کشورهای آفریقایی	۵۷۵۰۷
آسیای شمالی	۲۰۱۷۳۷	آفریقای شمالی	۱۷۱۲۶۸
آسیای شمال غربی	۴۹۵۲۴	آفریقای جنوبی	۴۸۱۷۲
آسیای جنوبی	۵۱۱۵۶۵	آفریقای مرکزی	۲۰۱۹۴
آسیای مرکزی	۱۹۱۹۵	آفریقای شرقی	۴۹۵۲۹
آسیای شرقی	۴۵۰۳۹۰	آفریقای غربی	۴۳۰۶۳
آسیای غربی	۶۵۴۹۵	کشورهای آمریکای لاتین	۲۲۶۱۴۹
کشورهای اروپایی	۱۴۴۶۷۰	آمریکای جنوبی	۱۸۱۸۸۱
اروپای جنوب شرقی	۱۱۰۷۱۰	آمریکای مرکزی	۲۷۵۹۵۱
اروپای شرقی	۲۲۹۵۶۹		

* منبع گردآوری داده: مؤسسه تحقیقات اشتغال

مقایسه میانگین خروج نخبگان در چهار گروه اصلی کشورهای نخبه‌فرست بیانگر آن است که به ترتیب؛ گروه کشورهای آسیایی (با ۳۴ کشور)، گروه کشورهای آمریکای لاتین (با ۱۷ کشور)، گروه کشورهای اروپایی (با ۷ کشور) و گروه کشورهای آفریقایی (با ۴۲ کشور) بیشترین میزان خروج نخبگان را دارا می‌باشند.

سپس، کیفیت‌های نهادی در میان گروه‌های کشورهای نخبه‌فرست (به تفکیک منطقه جغرافیایی) مورد مقایسه قرار می‌گیرد و با ترسیم نقشه‌های جهانی، نمایی از کیفیت‌های نهادی در کشورهای نخبه‌فرست ارائه خواهد شد. درنهایت، بر مبنای کیفیت نهادی بالا/پایین کشورهای

1. Semi-Centralized of Institutional Arrangements
2. Semi-Decentralized of Institutional Arrangements
3. Decentralization of Institutional Arrangements

۴. انواع چهارگانه این شاخص نهادی توسط محققان ساخته شده است.

موردبررسی، خروج نخبگان تحلیل می‌گردد و بر پایه ترکیبات منطقی کیفیت‌های نهادی در رابطه با متغیر وابسته تحقیق، نوع‌شناسی از ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست صورت می‌گیرد و جایگاه کشورها در هر کدام از این ترتیبات نهادی مشخص می‌شود.

- کیفیت نهادی کشورهای نخبه‌فرست

در جدول (۵)، نیم‌رخ از میانگین کیفیت‌های نهادی گروه کشورهای موردبررسی آورده شده است. کیفیت نهادی سیاسی با شاخص‌هایی چون؛ اعتبار دولت در جامعه بین‌الملل، ثبات سیاسی، شفافیت عملکرد نهاد سیاسی، محدودیت‌های ساختاری و حضور سنت‌های جامعه مدنی ارزیابی شده است. همچنان که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، کشورهای آسیایی و کشورهای آفریقایی، از میانگین پایینی در کیفیت نهادی سیاسی برخوردار هستند. کیفیت پایین نهاد سیاسی در این کشورها می‌تواند برآمده از بستر نهادی بی‌ثبات، عدم پاسخگویی مدیران سیاسی، عدم شفافیت عملکردها و موانع زیربنایی و مشکلات ساختاری باشد. به‌طور مثال محدودیت‌های ساختاری زیادی که کشورهای آفریقایی به دلیل سطح آموزشی پایین شهروندانشان، فقر زیاد و موقعیت جغرافیایی با آن مواجه هستند، می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. کیفیت بالاتر نهادی سیاسی را می‌توان در کشورهای اروپایی (۵۲/۶۱) و کشورهای امریکای لاتین (۵۳/۴۶) دید. ایران با میانگین (۲۱/۰۲)، پایین‌ترین کیفیت نهادی سیاسی را داراست که حتی از میانگین کل کشورهای مورد مطالعه (۴۳/۴۵) نیز کمتر است.

جدول (۵). میانگین کیفیت‌های نهادی در میان گروه‌های کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

گروه کشورها	کیفیت نهادی سیاسی	کیفیت نهادی اقتصادی	کیفیت نهادی حقوقی
کشورهای آسیایی	۴۰/۶۵	۴۳/۳۳	۴۸/۹۳
کشورهای آفریقایی	۳۹/۸۰	۴۰/۵۳	۳۸/۱۶
کشورهای امریکای لاتین	۵۳/۴۶	۵۴/۱۶	۳۶/۷۱
کشورهای اروپایی	۵۲/۶۱	۵۴/۴۱	۵۳/۶۴
ایران	۲۱/۰۲	۲۷/۱۵	۳۷/۲۷
کل کشورها	۴۳/۴۵	۴۴/۹۵	۴۲/۶۶

* مقادیر شاخص فوق در پژوهش حاضر محاسبه شده است.

آزادی اقتصادی (آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی کسب‌وکار و آزادی از فساد اقتصادی)، حقوق مالکیت امن و کیفیت اجرای مقررات از شاخص‌های سنجش کیفیت نهادی اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق شمرده می‌شوند. میانگین‌های برآورد شده از کیفیت نهادی اقتصادی در جدول فوق نشان می‌دهد گروه کشورهای اروپایی و کشورهای امریکای لاتین، حائز کیفیت نهادی اقتصادی بالاتری در کشورهايشان هستند. کشورهای آفریقایی با اختلاف میانگین کمی از کشورهای آسیایی، پایین‌ترین کیفیت نهادی اقتصادی را دارا هستند. میانگین کیفیت نهادی اقتصادی ایران (۲۷/۱۵)، حاکی از وضعیت نابسامان اقتصادی کشور می‌باشد و در مقایسه با میانگین کل کشورها، در زمره پایین‌ترین کیفیت نهادی اقتصادی در میان کشورهای مورد بررسی است.

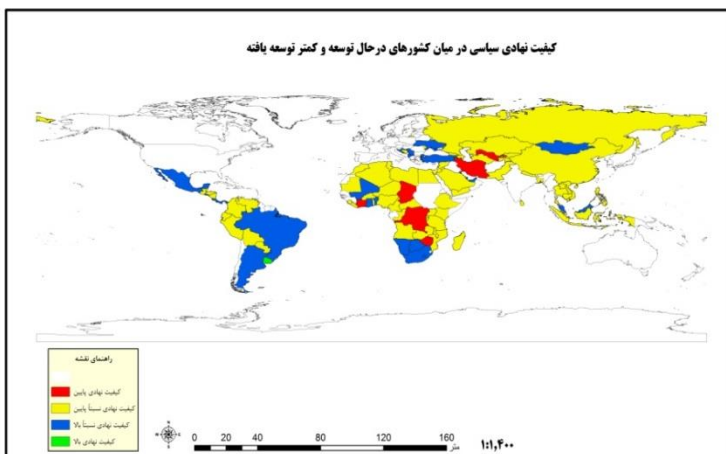
در ارتباط با کیفیت نهادی حقوقی؛ بعد از کشورهای اروپایی (۵۳/۶۴)، کشورهای آسیایی (۴۸/۹۳) از کیفیت نهادی حقوقی نسبتاً بهتری برخوردارند و پایین‌ترین میانگین این نوع از کیفیت را می‌توان در کشورهای امریکای لاتین (۳۶/۷۱) مشاهده نمود. میانگین کیفیت نهادی حقوقی نیز در ایران (۳۷/۲۷) پایین‌تر از میانگین کل کشورهاست (۴۲/۶۶).

در ادامه، به تفکیک کیفیت‌های نهادی کشورهای مورد مطالعه، نقشه‌هایی ترسیم شده‌اند که نمایانگر وضعیت کیفیت نهادی کشورها در سطح جهان می‌باشند. ارزیابی‌ها در مقیاسی از ۱۰۰-۰ صورت گرفته است و امتیازدهی کشورها بر روی این مقیاس بر این اساس می‌باشد که؛

امتیاز	کیفیت نهادی
۰-۲۵	کیفیت نهادی پایین
۲۶-۵۰	کیفیت نهادی نسبتاً پایین
۵۱-۷۵	کیفیت نهادی نسبتاً بالا
۷۶-۱۰۰	کیفیت نهادی بالا

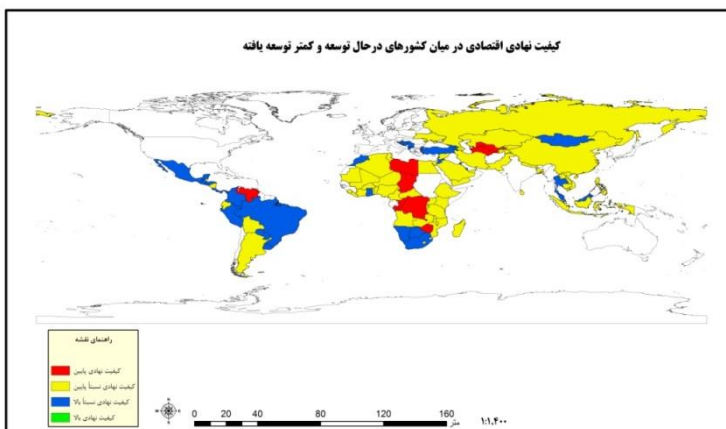
اولین نقشه، کیفیت نهادی سیاسی کشورهای مورد مطالعه را به تصویر کشیده است. اروگوئه با میانگین (۸۰/۸۹) از امریکای جنوبی، تنها کشوری است که از کیفیت نهادی سیاسی بالایی برخوردار است. کشورهای چاد (۱۶/۷۹)، جمهوری دموکراتیک کنگو (۲۰/۹۷)، ایران (۲۱/۰۳)، ازبکستان (۲۲/۶۲)، زیمباوه (۲۳/۴۳) و ساحل عاج (۲۵) به ترتیب پایین‌ترین کیفیت نهادی سیاسی را دارا هستند.

۱. نقشه‌های کیفیت‌های نهادی کشورهای نخبه‌فرست با بهره‌گیری از نرم‌افزار GIS طراحی شده‌اند.



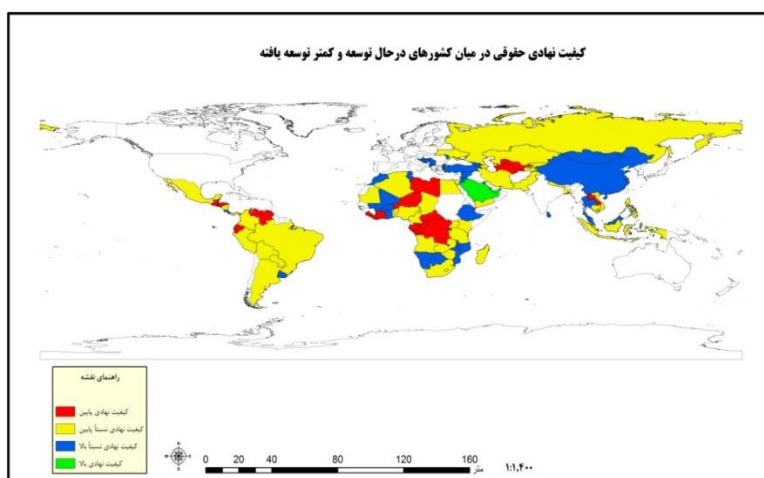
نقشه (۱). کیفیت نهادی سیاسی در میان کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

نقشه دوم، تصویری از وضعیت کیفیت نهادی اقتصادی کشورهای نخبه‌فرست در این پژوهش ارائه می‌دهد. مقایسه کشورهای فوق در کیفیت نهادی اقتصادی نشان می‌دهد به ترتیب کشورهای ترکمنستان (۱۳/۹۸)، زیمباوه (۱۶/۰۸)، لیبی (۱۷/۱۱)، ونزوئلا (۱۹/۶۳)، جمهوری دموکراتیک کنگو (۱۹/۹۶)، چاد (۲۳/۷۱)، جمهوری کنگو (۲۴/۰۷) و ازبکستان (۲۴/۱۲)، از کیفیت نهادی اقتصادی پایینی برخوردارند. در این نوع از کیفیت نهادی، هیچ‌کدام از کشورها امتیاز کیفیت نهادی بالا را کسب نکرده‌اند و همچنان که مشاهده می‌شود اکثر کشورها از کیفیت نهادی نسبتاً پایینی برخوردارند.



نقشه (۲). کیفیت نهادی اقتصادی در میان کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

سومین نقشه، نمایانگر وضعیت کیفیت نهادی حقوقی کشورهای فوق‌الذکر است. کشورهای قطر (۸۲/۴۵)، عربستان سعودی (۷۶/۵۵) و امارات متحده عربی (۷۶/۱۸)، به ترتیب بالاترین امتیاز کیفیت نهادی حقوقی را به خود اختصاص داده‌اند. در میان کشورهای کمتر توسعه‌یافته؛ کشورهای جمهوری دموکراتیک کنگو، افریقای مرکزی، لیبیا، سیرالئون، نیجر، جیبوتی و لائوس از کیفیت نهادی حقوقی پایین برخوردارند و در میان کشورهای در حال توسعه؛ کشورهای جمهوری کنگو، لیبی، گابن، ترکمنستان، ازبکستان، ونزوئلا، اکوادور، السالوادور، هندوراس و اکوادور کیفیت نهادی حقوقی پایینی دارند.

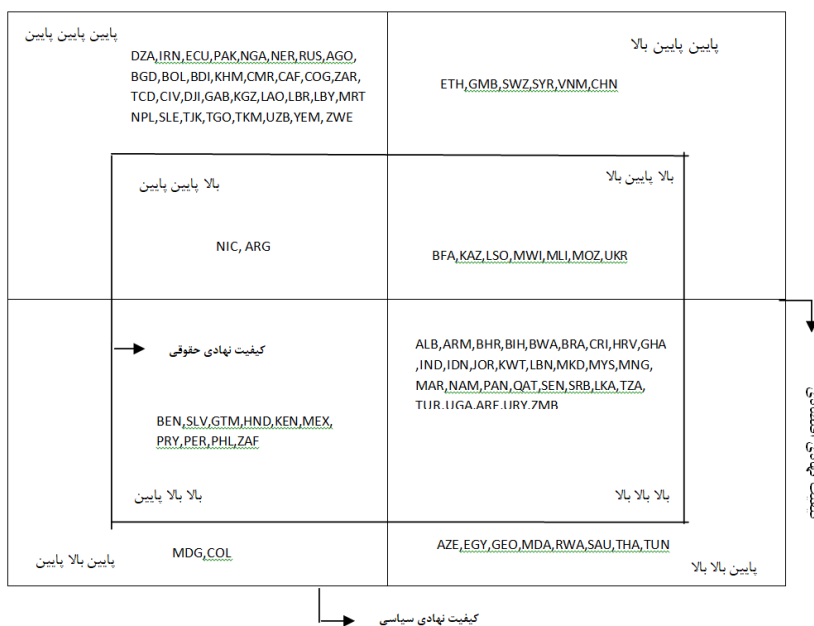


نقشه (۳). کیفیت نهادی حقوقی در میان کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

– نوع‌شناسی ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست:

در فرایند رویکرد نهادگرایی تطبیقی، از یک طرف «ویگت» سؤال مهمی را پیش‌روی محقق قرار می‌دهد و آن اینکه چطور ترتیبات نهادی بر خروجی نهادها تأثیر می‌گذارند؟ (۱۹۹۹: ۵۲). از طرف دیگر، باید توجه داشت که ترتیبات نهادی چگونه بر انتخاب‌های کنشگران تأثیر می‌گذارد و به رفتارها و کنش‌های افراد جامعه جهت می‌دهند؟ (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

در نظر گرفتن اهمیت نقش نهادهای کلیدی بر خروج نخبگان، ما را باید متوجه ماهیت ترکیبی آنها کند. چراکه توجه به بسترهای نهادی تأثیرگذار مستلزم درک پویایی رابطه میان نهادهاست^۱. لزوم انطباق و سازگاری نهادها باید هم در سطح تعامل میان نهادهای کلیدی دنبال گردد و هم در سطح رابطه کنشگران نهادی با نهادهای جامعه. از این روست که فهم کیفیت نهادی و به تبع آن نوع ترتیبات نهادی کشورها در تبیین خروج نخبگان مفید می‌باشد. به منظور نوع‌شناسی از ترتیبات نهادی حاکم بر کشورهای مورد مطالعه، گروه‌بندی از این کشورها بر مبنای بیشترین شباهت‌ها در کیفیت‌های نهادی، صورت گرفته است^۲. برای تعیین شرایط نهادی مؤثر بر خروج نخبگان، فضای خاصیت ساخته شد. در نمودار زیر، فضای خاصیت برای شاخص کیفیت نهادی، دارای هشت نوع می‌باشد که در این هشت نوع، کشورهای مختلف از هم تفکیک می‌شوند^۳.



نمودار (۱). فضای خاصیت‌های نهادی

- در تحلیل‌های نهادی از انواع روابط صحبت به میان می‌آید؛ رابطه مکمل، رابطه سلسله‌مراتبی، رابطه انسجامی و رابطه هم‌افزا. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به؛ سلاری، ۲۰۰۱: ۱۳.
- محاسبه ترکیبات علی کیفیت‌های نهادی و رابطه آنها با خروج نخبگان از طریق نرم‌افزار «توسمانا» صورت گرفته است. این نرم‌افزار، ابزاری مناسب برای روش تحلیل تطبیقی در سطح کلان می‌باشد.
- در این نمودار به دلیل محدودیت در جایگذاری نام کامل کشورها، از نام اختصاری کشورهای مورد مطالعه استفاده شده است.

گزارش حالات مختلف کیفیت نهادی در جدول ارزش آمده است. در این جدول ترکیبات منطقی شرایط نهادی در تبیین پیامد (خروج نخبگان) خلاصه‌سازی شده‌اند و کلیه ترکیبات اولیه مفروض، به کمترین ترکیبات منطقی ممکن تقلیل یافته‌اند.^۱ بر مبنای میانگین کیفیت نهادی، این شاخص به صورت اسمی دو وجهی (بالا/پایین) در نظر گرفته شد.

جدول (۶). جدول ارزش تحلیل تطبیقی شرایط نهادی و خروج نخبگان

تعداد کشورها	پیامد خروج نخبگان	شرایط		
		کیفیت نهادی حقوقی	کیفیت نهادی اقتصادی	کیفیت نهادی سیاسی
۳۴	تناقض	پایین	پایین	پایین
۶	تناقض	بالا	پایین	پایین
۲	تناقض	پایین	بالا	پایین
۸	تناقض	بالا	بالا	پایین
۲	تناقض	پایین	پایین	بالا
۷	تناقض	بالا	پایین	بالا
۱۰	تناقض	پایین	بالا	بالا
۳۱	تناقض	بالا	بالا	بالا

در جدول فوق، شاهد ترکیبات علی متناقض هستیم. تناقض^۲ در پیامد (متغیر وابسته) به ترکیبات منطقی شرایط نهادی اشاره دارد که منجر به دو نتیجه متفاوت در میان کشورهای موردبررسی به لحاظ خروج نخبگان گشته است.

جدول (۷)، به نوع‌شناسی ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست اختصاص یافته است. در این جدول، طبقه‌بندی از انواع ترتیبات نهادی و جایگاه کشورها صورت گرفته و ۱۰۰ کشور مورد مطالعه در قالب چهار نوع ترتیبات نهادی جای گرفته‌اند. ترتیبات نهادی تمرکزگرا، بر

۱. قاعده خلاصه‌سازی (minimization rule) به استخراج مختصر و مفید ترکیبات علی در تبیین پیامد (معلول/نتیجه) کمک می‌کند. بدین صورت که؛ اگر دو ترکیب منطقی در جدول صدق که نتیجه یکسان دارند و فقط در یک متغیر با هم متفاوت هستند، می‌توان آن متغیر را نامربوط تلقی کرد و به یک ترکیب علی جدید دست یافت (کرانکویست، ۲۰۰۵: ۱۶۳).

کیفیت پایین نهادی در هر سه نهاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی در میان ۳۴ کشور مورد بررسی دلالت دارد. کشورهای با ترتیبات نهادی نیمه تمرکزگرا (۱۰ کشور)، دارای کیفیت نهادی پایین در دو نهاد و کیفیت نهادی بالا در یک نهاد تأثیرگذار بر خروج نخبگان می‌باشند. ترتیبات نهادی نیمه تمرکززدا، به آن گروه از کشورهایی (۲۵ کشور) اشاره دارد که حداقل دارای کیفیت بالای نهادی در دو نهاد مورد بررسی هستند. ترتیبات نهادی تمرکززدا نیز شامل ۳۱ کشور در این مطالعه می‌گردد که در هر سه نهاد، از کیفیت نهادی بالاتری برخوردارند.

جدول (۷). نوع‌شناسی ترتیبات نهادی و خروج نخبگان در کشورهای نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

نوع‌شناسی	خروج نخبگان	جایگاه کشورها
ترتیبات نهادی تمرکزگرا	پایین	انگولا، بنگلادش، بولیوی، برونڈی، کامبوج، کامرون، آفریقای مرکزی، چاد، جمهوری کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو، ساحل عاج، دیپوتی، گابن، قرقیزستان، لائوس، لیبیا، لیبی، موریتانی، نپال، نیجر، سیرالئون، تاجیکستان، توگو، ترکمنستان، ازبکستان، یمن، زیمبابوه، ونزوئلا
	بالا	الجزایر، ایران، اکوادور، پاکستان، روسیه، نیجریه
ترتیبات نهادی نیمه تمرکزگرا	پایین	اتیوپی، گامبیا، سوازیلند، سوریه، ماداگاسکار، نیکاراگوئه
	بالا	چین، ویتنام، کلمبیا، آرژانتین
ترتیبات نهادی نیمه تمرکززدا	پایین	آذربایجان، گرجستان، مولداوی، رواندا، عربستان سعودی، تایلند، تونس، بورکینافاسو، قزاقستان، لسوتو، مالاوی، مالی، موزامبیک، بنین، گواتمالا، هندوراس، کنیا، پاراگوئه
	بالا	مصر، اکراین، السالوادور، مکزیک، آفریقای جنوبی، پرو، فیلیپین
ترتیبات نهادی تمرکززدا	پایین	آلبانی، ارمنستان، بحرین، بوتسوانا، استاریکا، کرواسی، غنا، اندونزی، اردن، کویت، مغولستان، مراکش، نامیبیا، پاناما، قطر، سنگال، صربستان، تانزانیا، اوگاندا، امارات متحده عربی، اروگوئه، زامبیا
	بالا	بوسنی و هرزگوین، برزیل، هند، مقدونیه، مالزی، لبنان، ترکیه، سریلانکا، مراکش

همچنان که مشاهده می‌شود، تناقض در پیامد منجر به بروز این مسئله گشته که به‌طور نمونه، برای گروه کشورهای با ترتیبات نهادی تمرکززدا، هم شاهد خروج نخبگان بالا هستیم و

هم خروج نخبگان پایین. با وجود آن که، اکثر کشورها که حائز این نوع از ترتیبات نهادی هستند (۲۳ کشور)، خروج نخبگان پایین تری را تجربه کرده‌اند، چرایی خروج نخبگان بالا در این گروه از کشورها، تأمل بیشتری را می‌طلبد. با علم به این واقعیت که هر نوع شناسایی قطعی شرایط علی مرتبط با خروج نخبگان غیرممکن است و علل احتمالی دیگری همچون شرایط زمینه‌ای کشورها - که در کنترل محقق تطبیقی نیست - ممکن است در این میان تأثیرگذار باشد، بهتر است بر دانش نظری و تجربی نیز تکیه کرد و تفضیل بیشتری از این موارد متناقض ارائه نمود.

مطالعات تجربی مختلف در ارتباط با تأثیرپذیری کشورهای مبدأ از خروج نخبگان‌شان، اطلاعات قابل توجهی را در اختیار محققان و علاقه‌مندان به این حوزه قرار می‌دهد. از یک سو، توجه به دو مؤلفه مهم «اثر جمعیتی^۱» و «چرخش نخبگان^۲» در مورد کشورهایی چون هند (با ترتیبات نهادی تمرکززدا)، مکزیک (با ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکززدا) و چین (با ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکزگرا)، می‌تواند راهگشای تبیین چرایی خروج نخبگان بالا در این قبیل از کشورها باشد. در گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت آمده است: برخی از کشورهای مبدأ ظرفیت‌های نهادی مختلف برای بازگرداندن/جذب مجدد مهاجران خود دارند. در این میان، مکزیک از جمله کشورهایی است که برای مهاجرتش فرصت‌های سرمایه‌گذاری در داخل کشور را فراهم می‌کند تا کسب‌وکار جدیدی را شروع کنند و بدین وسیله از آنها حمایت می‌نماید (۲۰۰۰: ۵۲). داکپور و همکارانش (۲۰۰۹: ۳۰۴) نیز در کار پژوهشی خود بر مبنای داده‌های بین‌المللی بر این باورند که کشورهایی همچون مکزیک (در کنار هلند، کره، مجارستان، جمهوری چک و جمهوری اسلواکی) با وجود این که عضو کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیستند، ولی در زمره کشورهای پذیرنده نخبگان محسوب می‌شوند.

شبیبه به این شرایط را می‌توان در میان کشورهای آسیای جنوبی مشاهده نمود؛ چین و هند که جمعیت بالایی هم دارند، در سال‌های اخیر ورود نخبگان را به کشورهای خود تجربه کرده‌اند. لذا خروج نخبگان در این کشورها بسیار کمتر از گذشته معنادار است (بینه و دیگران، ۲۰۰۸). آنچه دقت بیشتری را می‌طلبد آن است که تمام اقتصادهای درحال توسعه نمی‌توانند از مزایای چرخش نخبگان استفاده کنند، چراکه بهره‌گیری از این فرصت نیاز به بسترهای نهادی سرمایه‌گذاری‌های بالا در آموزش‌های پیشرفته، ثبات سیاسی و اقتصادی) در این کشورها دارد

1. Demographic Effect
2. Brain Circulation

تا نخبگان‌شان بازگردند (سلیمانو، ۲۰۰۸: ۱۴۱) و این چرخش نخبگان برای این کشورهای درحال توسعه تبدیل به یک مزیت شده، به طوری که نخبگان چینی در سال ۱۹۷۹ و نخبگان هندی در سال ۱۹۹۱، نقش تعیین‌کننده‌ای را در اصلاحات کشورهای خود به سمت رشد اقتصادی آنها داشته‌اند^۱ (ارنست، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، تحلیل‌ها متوجه آن دسته از کشورهایی است که علی‌رغم کیفیت‌های پایین نهادی، خروج نخبگان پایینی هم دارند. چنانچه در جدول (۷) ملاحظه می‌گردد، از میان ۳۳ کشور با ترتیبات نهادی تمرکزگرا و نیمه‌تمرکزگرا، ۲۰ کشور در گروه کشورهای کمتر توسعه یافته قرار دارند که با موانع و مشکلاتی چون «سطح آموزشی پایین»، «محدودیت‌های ساختاری» و «عدم همکاری‌های بین‌المللی» مواجه هستند. به طور نمونه طبق گزارش یونسکو (۲۰۱۰)، در کشورهای آفریقایی کمتر توسعه یافته، ۳۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی‌سواد هستند و نرخ مشارکت در آموزش عالی تنها ۶ درصد است که در مقایسه با متوسط جهانی (۲۶ درصد) بسیار پایین است. همچنین موقعیت‌های جغرافیایی نامساعد، کمبودهای زیرساختی و فقر زیاد در این گروه از کشورها موانع ساختاری زیادی را پیش روی آنان قرار داده است. به‌زعم محققان در این حوزه، نبود داده‌ها و اطلاعات کافی از این کشورها، مانع از تحلیل‌های تجربی جامع‌تر می‌گردد (کاپونانو و مارفوک، ۲۰۱۳).

بحث و نتیجه‌گیری

از جمله ویژگی‌های مهم اتخاذ رویکرد نهادی در این کار تحقیقاتی، آن است که علاوه بر تمرکز بر نهادها و ویژگی‌های ساختاری‌شان، بر روابط میان نهادها نیز توجه می‌کند. بنا بر رویکرد

۱. برای آگاهی بیشتر از مطالب بیان شده، به نتایج چند نمونه تحقیقاتی تجربی در این کشورها اشاره می‌گردد؛ «مین‌بی» (۲۰۰۹) بر این باور است که پیوندهای میان دولت محلی و مهاجران در چین نقش مهمی در اصلاحات لیبرالیسمی و باز کردن بازارهای این کشور به جهان بازی کرده است. به‌زعم وی، اجتماعات مهاجران و بخصوص مهاجران نخبه سرشار از ایده‌های توسعه‌ای است و تعاملات میان دولت محلی و مهاجران به توسعه اقتصادی چین بسیار کمک کرده است. بحث چرخش نخبگان در هند را می‌توان با تغییر سیاست‌های دولت هند و اصلاحات نهادی این کشور برای بازگرداندن نخبگان خود و نقش نخبگان مهاجر در بالا بردن کیفیت صنایع فناوری هندی و پیوستن به اقتصاد جهانی دنبال نمود. به طوری که این ادعا وجود دارد که کانال‌های چرخش نخبگان در هند برقرار شده است و آمارهایی به لحاظ مسافرت‌های تجاری به هند حداقل سالی یک‌بار، همکاری‌ها و مبادله‌های منظم اطلاعاتی و فناوری، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های هندی توسط نخبگان این کشور و... منتشر شده است (روزنبرگ، ۲۰۰۶؛ ساکسنین، ۲۰۰۸؛ داکپور و راپوپورت، ۲۰۱۲؛ مرکز همکاری آکادمیک مطالعات آسیا، ۲۰۱۴).

جامعه‌شناختی نهادی، هرگاه جامعه‌ای بخواهد به صورت مؤثری کار کند، باید نهادهای اساسی آن با یکدیگر به شکل کارآمدی در ارتباط باشند و یک توازن ظریف و متناسبی میان آنها برقرار باشد. استفاده از این نوع تحلیل، پلی را میان نهادهای تأثیرگذار و خروج نخبگان برقرار می‌کند. توجه به بسترهای نهادی تأثیرگذار بر خروج نخبگان از کشورهایشان مستلزم شناخت آنها و ارتباط شفاف نهادهای کلیدی با یکدیگر و همچنین ارتباط نخبگان با این نهادهاست. چنانچه نهادهای تعیین‌کننده از کیفیت مناسبی برخوردار نباشند، کارآیی و مشروعیت خود را از دست بدهند، نخبگان نمی‌توانند در چارچوب نهادهای ناکارآمد، کارآمدی داشته باشند. در این شرایط نه پیشرفتی حاصل می‌شود و نه نخبه‌ای در کشور باقی می‌ماند. واقعیت آن است که یک جامعه بدون وجود کارگزاران شایسته‌ای که راهبری آن را در حوادث و اتفاقات مهم عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر عهده داشته باشد، نمی‌تواند کارکردهای خود را انجام دهد و تداوم خود را تضمین کند.

یافته‌ها نشان می‌دهد بین گروه‌های کشورهای نخبه‌فرست، گروه کشورهای آسیایی بیشترین میزان خروج نخبگان را تجربه کرده‌اند (۲۴۱۸۸۶ هزار نفر) و همزمان در مقایسه با دیگر گروه‌های کشورهای دارای کیفیت‌های نهادی پایین‌تری نیز هستند (نگاه کنید به جدول ۵).

در میان ۳۴ کشور آسیایی، ایران در ردیف پنجمین کشوری قرار می‌گیرد که بیشترین خروج نخبگان را به خود اختصاص داده است (نگاه کنید به جدول ۸). مقایسه میانگین کیفیت‌های نهادی ایران با دیگر کشورهای آسیایی، لزوم بسترسازی‌های نهادی بیشتر را برای اتخاذ راهبردها، طرح‌ریزی و اجرای مؤثر سیاست‌ها بیان می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند در میان گروه کشورهای آسیایی مورد مطالعه، ایران حائز پایین‌ترین کیفیت نهادی سیاسی (۲۱/۰۳) می‌باشد. در کیفیت نهادی اقتصادی، بعد از کشورهای ترکمنستان (۱۳/۹۸)، ازبکستان (۲۴/۱۲) و لائوس (۲۶/۳۲)، ایران با میانگین (۲۷/۱۵) چهارمین کشوری است که ضعیف‌ترین کارآیی اقتصادی را داراست. شاید بتوان دلیل ناکارآمدی نهاد اقتصادی در کشور را چالش سیاست‌گذاری میان بخش خصوصی و دولتی و ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از بخش خصوصی و توسعه هرچه بیشتر آن دانست. و اما با میانگین (۳۷/۲۷) در کیفیت نهادی حقوقی، بعد از کشورهای ترکمنستان (۲/۱۴)، ازبکستان (۲/۶۰)، لائوس (۱۵/۶۲)، نپال (۲۶/۱۰)، پاکستان (۳۲/۲۰)، یمن (۳۲/۴۷)، قرقیزستان (۳۳/۹۸) و کامبوج (۳۶/۹۲)، هشتمین کشوری محسوب می‌شود که از ناکارآمدی نهاد حقوقی رنج می‌برد (نگاه کنید به جدول ۹). این در حالی است که نهاد حقوقی،

با اجرای بهتر قوانین وضع شده می‌تواند بخشی از محیط سیاست‌گذاری همگرا را فراهم کند و در شکل‌گیری محیط نهادی متناسب نقش مهمی را ایفا نماید.

بر مبنای نتایج تجربی به‌دست‌آمده از تحلیل تطبیقی نهادگرا، می‌توان ترتیبات نهادی تمرکزگرا را بیشتر در کشورهای با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متمرکز ملاحظه نمود. برآوردهای آماری در این تحقیق گویای آن است که ۳۴ کشور موردبررسی با اجرای ضعیف حاکمیت قانون، فساد، ضعف مدیریت و مشخصاً دولت‌گرایی و قدرت متمرکز سیاسی و اقتصادی، شاهد کیفیت‌های نامطلوب نهادی در کشورهايشان هستند. تمرکزگرایی نهادی در کشورهای فوق‌الذکر نه‌تنها منجر به شکل‌گیری بستر نهادی نامطلوب و ناکارآمد می‌گردد، بلکه مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی غیرتوسعه‌گرا را شکل می‌دهد. در چنین شرایطی، نخبگان در این کشورها نمی‌توانند منشأ اثر باشند، چراکه بسترهای ساختاری مناسب برای رشد و ارتقاء آنان وجود ندارد و برعکس بسترهای آماده برای جذب از طریق کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد.

به‌زعم اولسون (۱۳۷۷)، در فقدان نهادهای خوب، انگیزش‌ها در سطح بستر نهادی جامعه یا تأثیر نمی‌کنند و یا نتایج نامطلوبی را به همراه می‌آورند. انتقال نهادی نخبگان ایرانی به کشورهای پیشرفته، معطوف به ترتیبات نهادی تمرکزگرا در کشور است که بیانگر اجرای ضعیف حاکمیت قانون، امنیت شغلی پایین، آزادی‌های اقتصادی و سیاسی محدود است که هرگونه پیشرفت و توسعه فردی و ملی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در پناه این نوع از ترتیبات نهادی است که خروج نخبگان از کشور و عدم بازگشت مجدد آنان، تبدیل به یک مسئله اجتماعی در سطح ملی شده است. انعطاف در ترتیبات نهادی حاکم در محیط نهادی کنونی ایران، بایستی با اصلاحات نهادی همراه باشد تا بتواند در این حوزه تأثیرگذار باشد.

کشورهای با ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکزگرا نسبت به کشورهایی که دارای ترتیبات نهادی به‌شدت متمرکز هستند، از تمرکز قدرت کمتری برخوردارند. این نوع از ترتیبات نهادی در کشورهایی چون؛ چین، اتیوپی، گامبیا، سوازیلند، سوریه، ویتنام با کیفیت نهادی پایین در دو نهاد سیاسی و اقتصادی دیده می‌شود. آرژانتین و نیکاراگوئه از کیفیت نهادی اقتصادی و حقوقی پایین برخوردارند و کشورهای کلمبیا و ماداگاسکار، با کیفیت نهادی پایین در سطح دو نهاد سیاسی و حقوقی مشخص می‌گردند.

ترتیبات نهادی نیمه‌تمرکززدا دال بر آزادی‌های سیاسی و اقتصادی و حقوقی کمتر است. اقتصاد نیمه‌دولتی، شفافیت و پاسخگویی کمتر از مشخصه‌های کشورهای با این نوع از ترتیبات

نهادی می‌باشد. در این کشورها شاهد حداقل دو نهاد با کیفیت بالا هستیم؛ کشورهای آذربایجان، مصر، گرجستان، مولداوی، رومانی، عربستان سعودی، تایلند و تونس از کیفیت بالای نهادی اقتصادی و حقوقی برخوردارند. کیفیت بالای نهادی سیاسی و حقوقی را می‌توان در کشورهای بورکینا فاسو، قزاقستان، لسوتو، مالاوی، مالی، موزامبیک و اکراین دنبال نمود. در کشورهای بنین، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، کنیا، مکزیک، پاراگوئه، پرو، فیلیپین و افریقای جنوبی با کیفیت نهادی بالا در سطح دو نهاد سیاسی و اقتصادی، این نوع از ترتیبات نهادی حاکم است.

و اما ترتیبات نهادی تمرکززدا در کشورهایی ملاحظه می‌شود که نسبت به سایر کشورها از کیفیت نهادی بالاتری برخوردارند و آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی بیشتر، بیانگر تفاوت نهادی این کشورها با دیگر کشورهاست. در نظر محققان این حوزه، در این گروه از کشورها، دولت‌های دموکراتیک کمتر سرکوب‌گر هستند و بیشتر به نگرانی‌های مردم پاسخ می‌دهند، نارضایتی کمتری در بین مردم دیده می‌شود و لذا انگیزه کمتری برای اعتراض علیه نهادهای اجرایی شکل می‌گیرد و همین مسئله ممکن است به عنوان انگیزه کلیدی تمایل نخبگان برای عدم خروج و یا بازگشت مجدد به کشورهايشان تلقی شود (داکیور و راپوپورت، ۲۰۰۳؛ بنگ و میترا، ۲۰۱۰). این نوع از ترتیبات نهادی را می‌توان ترتیبات نهادی توسعه‌گرا نیز خواند، چراکه توسعه در ساختار نهادی غیرمتمرکز دنبال می‌گردد (کالینز و گالین، ۲۰۰۹). طبق گزارش بانک جهانی، تمرکززدایی به عنوان یک استراتژی توسعه محسوب می‌شود (بارانکی، ۲۰۰۶).

در کشورهای نخبه‌فرست، تدوین و اجرای یک استراتژی جامع توسعه نیازمند سیاست‌گذاری یکپارچه و سازگار است. سازوکار اجرایی درونی، وجود نظم، امنیت و رعایت قانون، کارایی سیاست‌گذاری‌ها را تضمین می‌نماید و در ضمن کارآمدی و مشروعیت نهادها را بهبود می‌بخشد. با به‌کارگیری سیاست‌های صحیح و حمایت‌های لازم، انگیزه ماندن و بازگشت مجدد به کشورهايشان در میان نخبگان کشورهای نخبه‌فرست تقویت می‌شود.^۱

۱. برای تحقیق بیشتر پیرامون ترتیبات نهادی کشورهای نخبه‌فرست و چگونگی تأثیرگذاری نوع ترتیبات نهادی بر خروج نخبگان، مطالعات تطبیقی کیفی مفید می‌باشد.

جدول (۸). میزان خروج نخبگان در میان کشورهای آسیایی نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

نام کشورها	میزان خروج نخبگان	نام کشورها	میزان خروج نخبگان
ارمنستان	۷۳۷۷۶	پاکستان	۳۸۶۹۵۱
آذربایجان	۲۳۴۶۶	فیلیپین	۱۵۶۰۰۶۰
بحرین	۴۰۹۸	قطر	۲۰۸۴
بنگلادش	۱۴۳۰۱۷	روسیه	۲۰۱۷۳۷
چین	۱۲۳۴۰۲۲	عربستان سعودی	۲۴۹۶۳
هند	۱۸۹۱۶۳۱	سريلانكا	۱۷۸۸۸۹
اندونزی	۱۴۵۱۷۱	سوریه	۷۷۷۱۳
ایران	۴۳۳۷۳۵	تاجیکستان	۶۷۷۳
اردن	۴۷۲۷۹	تایلند	۱۴۰۲۲۴
قزاقستان	۳۱۸۰۰	ترکیه	۲۵۸۳۰۳
کویت	۲۵۷۵۵	ترکمنستان	۱۴۳۳
قرقیزستان	۴۸۹۸	امارات متحده عربی	۱۶۲۲۳
لائوس	۷۴۱۲۹	ازبکستان	۵۱۰۷۵
لبنان	۱۸۶۰۸۴	ویتنام	۶۷۱۳۶۲
مغولستان	۳۹۹۱	یمن	۱۲۴۴۰
نپال	۳۵۱۷۱	مالزی	۱۵۸۷۲۵
کامبوج	۶۵۸۳۰	گرجستان	۵۱۳۳۰

جدول (۹). نیم‌رخ از میانگین کیفیت‌های نهادی کشورهای آسیایی نخبه‌فرست (۲۰۱۰)

نام کشورها	کیفیت نهادی سیاسی	کیفیت نهادی اقتصادی	کیفیت نهادی حقوقی
ارمنستان	۵۴/۶۲	۵۷/۵۴	۵۹/۰۰
آذربایجان	۴۰/۷۷	۴۵/۶۶	۴۷/۳۱
بحرین	۵۱/۵۷	۶۲/۳۸	۶۸/۷۸
بنگلادش	۴۰/۳۸	۳۹/۵۸	۳۹/۴۰
چین	۳۸/۴۰	۳۴/۰۴	۵۶/۶۰
هند	۴۸/۲۵	۴۶/۹۱	۵۹/۰۵

نام کشورها	کیفیت نهادی سیاسی	کیفیت نهادی اقتصادی	کیفیت نهادی حقوقی
اندونزی	۴۶/۹۵	۴۸/۲۸	۴۳/۷۲
ایران	۲۱/۰۳	۲۷/۱۵	۳۷/۲۷
اردن	۴۴/۶۹	۵۳/۸۰	۶۹/۲۲
قزاقستان	۴۹/۵۶	۳۹/۳۳	۴۵/۲۰
کویت	۵۴/۷۷	۵۱/۸۶	۷۲/۹۸
قرقیزستان	۳۶/۳۱	۴۳/۶۳	۳۳/۹۸
لائوس	۳۱/۶۸	۲۶/۳۲	۱۵/۶۲
لبنان	۴۴/۵۳	۵۳/۰۴	۴۶/۴۲
مغولستان	۵۲/۸۹	۵۲/۶۰	۷۱/۹۴
نپال	۲۹/۴۲	۳۷/۲۶	۲۶/۱۰
پاکستان	۲۶/۶۹	۳۷/۴۶	۳۲/۲۰
فیلیپین	۴۴/۴۲	۴۵/۲۲	۳۹/۷۲
قطر	۶۰/۰۴	۵۷/۰۰	۸۲/۴۴
روسیه	۳۱/۵۷	۳۵/۷۴	۳۹/۵۸
عربستان سعودی	۳۶/۹۶	۴۸/۱۲	۷۶/۵۴
سریلانکا	۴۳/۹۸	۴۴/۹۵	۶۳/۴۲
سوریه	۲۵/۳۴	۲۸/۱۵	۶۵/۱۰
تاجیکستان	۲۵/۶۹	۲۹/۸۳	۳۹/۷۲
تایلند	۴۱/۰۹	۵۰/۴۳	۵۴/۵۴
ترکیه	۵۴/۴۸	۶۴/۱۳	۵۹/۳۷
ترکمنستان	۲۸/۴۵	۱۳/۹۸	۲/۱۴
امارات متحده عربی	۵۹/۲۲	۴۸/۶۲	۷۶/۱۸
ازبکستان	۲۲/۶۲	۲۴/۱۲	۲/۶۰
ویتنام	۴۱/۹۹	۲۹/۱۹	۴۶/۵۵
یمن	۳۰/۱۸	۴۲/۵۱	۳۲/۷۴
مالزی	۵۴/۱۸	۵۴/۳۴	۶۵/۷۴
گرجستان	۴۰/۱۰	۶۳/۴۵	۵۹/۵۱
کامبوج	۴۳/۱۰	۵۶/۹۰	۳۶/۹۲

آذرمنند، حمید (۱۳۸۵). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. تهران: روند. شماره ۵۰ و ۵۱. صص: ۱۷۰-۱۱۹

ایروانی، محمدجواد (۱۳۸۰). درآمدی بر نظریه نهادی. تهران: نشر سیاست
 زارعی، آرمان (۱۳۹۲). نهادگرایی جدید جامعه‌شناختی؛ رهیافتی برای تحلیل ثبات و تغییر. تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی. سال نوزدهم. شماره ۷۷. صص: ۱۶۵-۱۹۳
 طهماسبی، رضا (۱۳۹۴). نظریه سازمان: ساختارگرایی، کنشگری، ساختمان‌گرایی. تهران: انتشارات نص
 عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال سیزدهم. شماره ۴۰. صص: ۱-۲۸
 متوسلی، محمود (۱۳۸۹). توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: سمت

نصیری‌اقدم، علی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحلیل نهادی مسائل اقتصادی. تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی. سال هجدهم. شماره ۷۱. صص: ۱۴۴-۱۱۹

Arslan, c. et al (2014). A New Profile of Migrants in the Aftermath of the Recent Economic Crisis. OECD Social, Employment and Migration Working Papers. NO. 160

Azarmand, Hamid (20۰۶). The role of political and legal institutions in economic development. Tehran: Ravand. No. 50 and 51. pp.: 119-170.(In Persian)

Bakewell, Oliver (1996). Refugee Repatriation in Africa: Toward a Theoretical Framework? University of Bath: Central for Development Studies. Occasional Paper 09 (96). pp: 1-67

Bang, J. T. & M. Mitra (2010). Brain Drain and Institutions of Governmence: Educational Attainment of Immigrants to the US 1998-1988. Economic Systems 35 (3). pp: 335-354

Barro, Robert (2013). Education and Economic Growth. Annals of Economics and Finance. pp: 301-328

Barro, Robert and Lee, Jong-Wha (2010). A New Data Set of Educational Attainment in the World: 1950-2010. Cambridge: National Bureau of Economic Research

Beine, Michel, Frederic Docquier and Hillel Rapoport. (2008). Brain Drain and Human Capital Formation in Developing Countries: Winners and Losers. The Economic Journal 118 (528). pp: 631-652

Beland, Daniel and Henry Cox, Robert (2011). Ideas and Politics in Social Science Research. Oxford University Press

Bertelsmann Stiftung, Carl (2010). Transformation Index of the Bertelsmann stiftung. Manual for Country Assessments. Germany: Center for Applied Policy Research, Research Group on Global Future

Brucker, Herbert; Capuano, Stella; Marfouk, Abdeslman (2013). Education, Gender and International Migration. Methodology Report. Institute for Employment Research

Cebula, R.J (2010). Migration, Economic Freedom, and Personal Freedom: a Preliminary Emprical Analysis. Paper Presented at the Southern Regional Science Association. March, Washington, D.C.

- Clark, J. R. and D. Pearson (2007). Economic Freedom, Entrepreneurship, Migration and Economic Growth, *The Clarion Business and Economic Review* 6(2). pp: 37-66
- Cronqvist, Lasse (2005). Macro-Quantitative vs. Macro-Qualitative Methods in the Social Sciences. An Example from Empirical Democratic Theory Employing New Software. *Historical Social Research* 30(4). pp: 154-175
- DiMaggio, Paul J., and Walter W. Powell (1991). In *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, ed. Walter W. Powell and Paul J. DiMaggio, 1-40 Chicago: University of Chicago Press
- Docquier F, Lodigian E, Lodigiani E, Rapoport H, Schiff M (2009) Brain drain and home country institutions. Mimeo, Université Catholique de Louvain
- Finnemore, Martha (1996). Norms, Culture, and World Politics: Insights from Sociology's Institutionalism. *International Organization*. Vol. 50 (2). pp: 325-347
- Gwartney, J., R. Lawson, and J. Hall (2012). 2012 economic freedom dataset, published in *Economic Freedom of the World: 2012 Annual Report*
- Hall, Peter A. and Rosemary C. R. Taylor (1996). Political Science and the Three New Institutionalisms. *Political Studies* 44 (5). pp: 936-957
- Haque, N.U. and S.J. Kim (1995). Human Capital Flight: Impact of Migration on Income and Growth, *IMF Sta. Papers* 42
- Hay, Cline and Wincott, Daniel (1998). Structure, Agency and Historical Institutionalism. *Political Studies*. Vol 46
- Hollingsworth, J.Rogers (2000). Doing Institutional Analysis: Implications for the Study of Innovations. *Review of International Political Economy* 7 (4). pp: 595-644
- Irvani, Mohammad Javad (20۰۱). An introduction to institutional theory. Tehran: Publishing Policy
- Isisazadeh, Saeed and Ahmadzadeh, Akbar (20۰۹). Investigating the effect of institutional factors on economic growth with an emphasis on governance institutions. *Iranian Economic Research Quarterly*. Thirteenth year. No. 40. pp.: 1-28. (In Persian)
- Jackson, Gregory (2009). *Actors and Institutions*. United Kingdom: University of Bath
- Kaufmann, Daniel (2010). *The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Report*. World Bank: Working Paper
- Mackay, F, Kenny, M & Chappell, L (2010). New Institutionalism Through a Gender Lens: Towards a Feminist Institutionalism? *International Political Review* 31(5). Pp: 573-588
- Metusli, Mahmoud (20۱۰). Economic development: concepts, theoretical foundations, institutional approach, and methodology. Tehran: Side. (In Persian)
- Miller, Ambassador; Kim, Anthony (2010). *Index of Economic Freedom*. Washington: Heritage Foundation
- Milne, Eleanor (2012). *Establishing Institutional Arrangements*. U.S: Environment Protection Agency
- Nasiri Aghdam, Ali (20۱۲). Methodology of institutional analysis of economic issues. Tehran: *Scientific-Research Quarterly of Human Sciences Methodology*. 18th year No. 71. pp. 119-144. (In Persian)
- Nee, Victor (1998). Sources of the New Institutionalism. In *The New Institutionalism in Sociology*. Chapter one. Victor Nee and Mary Brinton. Stanford University Press

- North, Douglass C. (1994). Economic Performance through time. The American Economic Review. Vol. 84. No. 3
- North, Douglass C. (2005). Understanding the Process of Economic Change. New Jersey: Princeton University Press
- Norton, Seth W. (2003). Economic Institutions and Human Well-Being: A Cross-National Analysis. Eastern Economic Journal 29 (1). PP: 23-40
- Powell, Walter. W & Bromley, Patricia (2013). New Institutionalism in the Analysis of Complex Organizations. International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences
- Putnam, R.D. (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press
- Scott, W. Richard and Meyer, John W. (1994). Institutional Environment and Organizations: Structural Complexity and Individualism. USA: Stanford University
- Solari, Stefano (2001). Comparative Institutional Analysis and the State: A System Perspective. Freiburg- Padua Seminar: Networks, Institutions, and Organization Learning
- Steinmo, Sven (2008). What is Historical Institutionalism? UK: Cambridge University Press
- Tahmasabi, Reza (2014). Organization theory: structuralism, activism, constructivism. Tehran: Nas publications. (In Persian)
- Torfin, Jacob (2001). Path-Dependent Danish Welfare Reforms: The Contribution of New Institutionalisms to Understanding Evolutionary Change. Scandinavian Political Studies 24 (4). pp: 277-309
- Voigt, S. (1999). Explaining Constitutional Change—a Positive Approach, Cheltenham: E. Elgar
- Williams, Andrew (2015). A global index of information transparency and accountability. Association for Comparative Economic Studies: Journal of Comparative Economics 43 (3)
- Williamson, Claudia R. (2009). Informal Institutions Rule: Institutional Arrangements and Economic Performance. Public Choice. Vol. 139(3). pp: 371-387
- World Bank. World Development Report, 2000/01. Washington, DC: World Bank, 2000
- Zarei, Arman (2012). new sociological institutionalism; An approach to analyzing stability and change. Tehran: Scientific-Research Quarterly of Human Sciences Methodology. 19th year No. 77. pp. 165-193. (In Persian)
- <https://andrewwilliamsecon.wordpress.com/datasets>
- <http://www.bti-project.org/index>
- <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index>
- <http://go.worldbank.org/2EAGGLRZ40>
- <http://www.heritage.org/index>
- <http://www.weforum.org/en/initiatives/gcp/index.htm>